

## تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری

### مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز

فیروز جعفری\*، حجت محمدی ترکمانی\*\*، زهرا رسول‌زاده\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۴

#### چکیده

مفهوم زیست‌پذیری در کنار پایداری و به‌عنوان یک شعار در گفتمان عمومی و برنامه‌ریزی پدید آمده است. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در رابطه با ایجاد و یا حفظ شهرها، به مفهوم زیست‌پذیری به‌عنوان یک اصل راهنما برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری و شکل دادن به محیط اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و بیولوژیکی شهری استناد می‌کنند و زیست‌پذیری را استاندارد زندگی و مطلوبیت کلی زندگی مردم در یک سکونتگاه مانند شهر می‌دانند. این مفهوم ابعاد و شاخص‌های متنوعی را دارا می‌باشد و با آن‌ها موردسنجش قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر نیز با هدف ارائه تحلیلی از عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری در منطقه ۸ کلان‌شهر تبریز انجام شده است که با مطالعه مبانی و منابع موجود به تدوین مدل زیست‌پذیری برای محدوده مورد مطالعه اقدام نمود. سپس با استفاده از نظرات ساکنان منطقه به آزمون مدل و در نهایت ارائه مدل نهایی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم پرداخته است. نتایج نشانگر این است که ۸ مؤلفه اصلی با ۴۱ متغیر اجزای مدل را تشکیل می‌دهند. کیفیت زیرساخت‌ها با بار عاملی ۰/۸۸ مهم‌ترین بُعد و امکانات بهداشتی درمانی با بار ۰/۲۳، کم‌اهمیت‌ترین بُعد در برقراری زیست‌پذیری باشند. بنابراین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان اذعان نمود که برای رسیدن به زیست‌پذیری مطلوب و حفظ آن باید به تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار به‌دست‌آمده به‌صورت جامع پرداخته شود.

**واژه‌های کلیدی:** زیست‌پذیری- تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم- منطقه ۸ شهر تبریز

\* استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). [fjafari58@gmail.com](mailto:fjafari58@gmail.com)

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. [mohamadi.h69@gmail.com](mailto:mohamadi.h69@gmail.com)

\*\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

[zahra.shoma1369@gmail.com](mailto:zahra.shoma1369@gmail.com)

## بیان مسئله

در چند دهه گذشته با رشد اقتصادی سریع و شهرنشینی، شاهد تغییرات چشمگیر در محیط‌های مسکونی و اجتماعی- فرهنگی در مناطق شهری می‌باشیم. با این حال، توسعه سریع در بسیاری از شهرها نیز منجر به بسیاری از مسائل شهری مانند جرم و جنایت، آلودگی هوا، حمل‌ونقل ترافیکی و امکانات عمومی نامناسب به‌ویژه در مناطق قدیمی و همچنین تفاوت‌های اجتماعی و فضایی در مناطق شهری شده که چالش‌های بزرگی برای زیست‌پذیری شهری ایجاد می‌کنند (Ouyang et al, 2017: 437). با این وجود، تحقیقات نشان داده است که کیفیت محیط شهری با سلامت فرد ارتباط مثبت دارد (Dong & Qin, 2017: 72).

از طرفی دیگر با توجه به تغییر دیدگاه‌ها از استانداردگرایی صرف به دیدگاه‌های کیفی و مطرح شدن رویکرد و نظریه توسعه پایدار به‌جای دیدگاه‌های کلان اقتصادی و خرد کالبدی، موضوعات کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهر مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند (بندر آباد و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۶). زیست‌پذیری شهری یک مفهوم چندمنظوره است که با بسیاری از حوزه‌های محیط زندگی در مناطق شهری، شامل محیط‌های فیزیکی و اجتماعی فرهنگی همراه است (Dongsheng Zhan et al, 2018: 1). این مفهوم اساساً از اواخر قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است (سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). زیست‌پذیری به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در پایداری شهری، به یک سیستم شهری که در آن به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه شده است، اطلاق می‌شود (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸). زیست‌پذیری فزاینده مناطق شهری به‌عنوان شیوه‌ای برای کاهش جای پای اکولوژیکی، پیشگیری از آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی در شهرها و محدوده اطرافش در نظر گرفته شده است (Saitluanga, 2014: 541).

انتقادات وارده از سوی محققان شهری و اجتماعات انسانی، جین جکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷)، را بر آن داشت تا بر مفهوم زیست‌پذیری به‌عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری قابل زیست و با کیفیت تأکید کنند. هدف اصلی آنها بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای مدرن بود (Mahmudi et al, 2015: 105). شهر زیست‌پذیر نقطه اتصال بین گذشته و حال است. مدیریت پایدار در این شهر، از یک سو به نشانه‌های تاریخی احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنچه تاکنون متولد نشده، توجه دارد. از این رو حفظ ارزش‌ها و کرامت انسانی، امنیت، پویایی و تحرک، سرزندگی و نشاط و به دنبال آنها مشارکت و تعلق به مکانی که تبلوری از آرمان‌های خاص انسان در شکل دادن به محل زندگی‌اش است، همیشه و در همه جوامع شهری مدنظر بوده و در نتیجه تقویت و ظرفیت زیست‌پذیری محله‌ها از اصول مهمی است که شرایط زندگی مناسب‌تر را برای همه ساکنین یک محله فراهم می‌کند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴).

به عبارتی زیست‌پذیری سکونتگاه به نوعی می‌تواند بیانگر پایداری آن سکونتگاه باشد. سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهری می‌تواند در مقیاس شهر و یا بخشی از شهر (نظیر محلات فرسوده، شهرک‌ها و شهرهای جدید، بافت‌های خودرو و...) انجام شود (آروین و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). تحولات زندگی شهرنشینی چند دهه اخیر بافت‌های تاریخی را با مشکلات بسیاری در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، تأسیسات، تجهیزات شهری و سایر امکانات شهری مواجه ساخته است. مجموعه این مشکلات دست‌به‌دست هم داده تا زمینه مناسبی برای فرسودگی و عدم سرزندگی و زیست‌پذیری در این بافت‌های با ارزش فراهم آورد (حییبی، ۱۳۹۲: ۷۴). شهر تبریز از جمله شهرهای تاریخی ایران محسوب می‌شود که وجود بافت‌های فرسوده در نواحی مرکزی و حاشیه‌ای شهر، سبب ناکارآمدی مراکز شهری و بروز مسائل عمده‌ای در نظام کالبدی - کارکردی آنها شده است. این شهر با پیشینه‌ای بسیار قدیمی و با جایگاهی بسیار مؤثر و استراتژیک در منطقه دارای یک مرکز شهری

قدیمی، فرسوده، تاریخی، قدرتمند، و دارای ماهیت و ارزش سیاسی و اجتماعی بسیار با اهمیتی است که تمام تحولات و تغییرات این مرکز مهم در کل شهر قابل احساس و نفوذ است. منطقه هشت شهر تبریز که بافت تاریخی و مرکزی شهر محسوب می‌گردد، دچار فرسودگی و ناکارآمدی است. این‌گونه بافت‌ها مشکلات فراوانی را برای متخصصان شهری به وجود آورده و این دگرگونی عملکردی باعث صدمه به پیشینه فرهنگی تاریخی محله‌ها شده و آنها را از جریان زندگی خارج و از پایداری و زیست‌پذیری دور کرده است. محدودیت‌های ذکرشده در کنار برخورداری از ظرفیت‌های بالای توسعه در این پهنه‌ها، زیست‌پذیر کردن محدوده بافت تاریخی را امری ضروری ساخته است. هدف از تحقیق حاضر شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر زیست‌پذیری بافت قدیمی شهر تبریز می‌باشد و در این راستا سؤال اصلی زیر مطرح می‌گردد که عوامل تأثیرگذار بر زیست‌پذیری در بافت تاریخی شهری تبریز (منطقه ۸ شهرداری)، چه می‌باشد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی - توسعه‌ای و ماهیتاً توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در مراحل مختلف پژوهش از روش‌های میدانی و اسنادی بهره‌گیری شده است. به طوری که در مرحله اول با استفاده از روش اسنادی به تدوین مبانی نظری، شاخص‌ها و دیدگاه‌های موجود در موضوع موردبحث پرداخته شده و پس از تعیین گویه‌ها و سؤالات و تدوین پرسشنامه با عملیات میدانی در محل، به پرسشگری و جمع‌آوری داده‌ها مبادرت ورزیده شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آن برابر با ۰/۹۰۹ محاسبه شد که کاملاً قابل قبول بودن پرسشنامه را تأیید می‌نماید. در مرحله بعد با استفاده مدل تحلیل

عاملی تأییدی مرتبه دوم در محیط نرم‌افزار Amos23 به تحلیل مؤلفه‌ها و ارائه مدل پرداخته شده است.

**جامعه و نمونه آماری:** جامعه آماری در این پژوهش کلیه ساکنان منطقه ۸ شهرداری تبریز می‌باشد که برابر با ۲۹,۳۸۴ نفر است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۰ نفر محاسبه گردیده است. نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌بندی شده می‌باشد. بدین صورت که نواحی شهری منطقه مورد مطالعه به عنوان طبقات در نظر گرفته شده و متناسب با جمعیت هر کدام، نمونه آماری آن محاسبه و پرسشگری صورت گرفته است.

### پیشینه پژوهش

بستر حضور و گسترش ایده زیست‌پذیری را می‌توان آمریکا دانست. آنچه که بیش از همه در این بستر جغرافیایی واجد توجه است، در هم تنیدگی سیاست‌گذاری مقیاس کلان با این مفهوم برنامه‌ریزی محیطی است، که سیر تاریخی آن را می‌توان این‌گونه جستجو کرد. واژه شهرهای زیست‌پذیر برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط اداره ملی هنرها<sup>۱</sup> به منظور دستیابی به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری مدنظر آن‌ها و به دنبال آن توسط سایر مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی نظیر اداره حفاظت محیطی<sup>۲</sup> که مطالعات گسترده‌ای در خصوص زیست‌پذیرترین شهرهای آمریکایی انجام داده است، به کار گرفته شد (Mc.Nulty, 1998: 200). در اروپا مطالعات مرتبط به ارائه تعریف در خصوص شهر زیست‌پذیر حداقل به سال ۱۹۷۵ بازمی‌گردد. زمانی که مجله Landscape Architecture مجموعه‌ای از مقالات کوتاه متخصصان و دانشگاهیان را در خصوص ایجاد شهرهای زیست‌پذیر منتشر کرد و هر یکی از آن‌ها بر اساس یک ایده

---

1. NEA  
2. EPA

شخصی به دنبال دستیابی به پاسخی برای این پرسش بود که «چه چیز، شهر خوب را ایجاد می‌کند» (Larice, 2005: 120).

چارلز لاندری<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «سرزندگی شهری: منبع جدیدی از رقابت شهری»، نه معیار مؤثر را برای شناسایی یک شهر زیست‌پذیر برمی‌شمرد، که عبارت‌اند از؛ تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک‌مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت (Landry, 2000: 4). برنامه‌ریزی منطقه‌ای کلان‌شهر ونکوور که به‌عنوان پیشرو در بررسی و ارزیابی زیست‌پذیری در جهان شناخته می‌شود، پس از مطالعات جامع بر روی زیست‌پذیری کلان‌شهر ونکوور به این نتیجه می‌رسد که اصول مبنایی و ریشه‌ای زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های انسانی؛ دسترسی، برابری و مشارکت است (Timmer & Semour, 2005: 10).

جدول ۱- خلاصه پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در زمینه زیست‌پذیری

محقق	عنوان	هدف	نتیجه
علیزاده (۱۳۹۳)	سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت	دستیابی به مدل ارزیابی زیست‌پذیری با تأکید بر نقش مشارکت منطقه ۱ شهرداری تهران	فاکتورهای زیست‌پذیری چون فضاهای عمومی، انسجام اجتماعی، تعلق به جامعه، مسکن با کیفیت و دسترسی پیاده، تأثیر مستقیم بر مشارکت دارد و از نظر ساکنان محل، مکان‌های عمومی و انسجام اجتماعی بالاترین اولویت را دارند.
جعفری اسدآبادی (۱۳۹۳)	قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری	بررسی زیست‌پذیری در راستای توسعه پایدار مناطق شهری تهران	زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حد متوسط رو به پایین است و با روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت.

تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۱۹

<p>در شهرهای جهان توافق کلی درباره ضرورت پرداختن به زیست‌پذیری وجود دارد، اما اجماع نظر در مورد تعریف، اصول، معیارها و شاخص‌های آن وجود ندارد.</p>	<p>معرفی زیست‌پذیری به‌عنوان رویکرد غالب در برنامه‌ریزی شهری جهان، بررسی خاستگاه نظری، دیدگاه‌ها و ابعاد و شاخص‌های آن</p>	<p>زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها</p>	<p>سلیمانی مهرنجانی و همکاران (۱۳۹۵)</p>
<p>محلّه تختی از لحاظ شاخص‌های زیست‌پذیری در سطح بالاتری نسبت به سایر محلات قرار داشته و محلّه‌های کوثر و هرندی به ترتیب بعد از محلّه تختی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد زیست‌پذیری پایین محلّه‌های مورد مطالعه ناشی از کم بودن حس تعلق شهروندان و گسترش کاربری‌های تجاری-خدماتی و انبارداری مربوط به عملکردهای بازار است.</p>	<p>سنجش زیست‌پذیری محلات شهری بر مبنای متون جهانی و کاربری این مؤلفه‌ها در رتبه‌بندی محلات هرندی، تختی و کوثر کلان‌شهر تهران از لحاظ زیست‌پذیری</p>	<p>سنجش ظرفیت زیست‌پذیری محلّه‌های شهری در کلان‌شهر تهران (محدوده مورد مطالعه: محلّه‌های هرندی، تختی و کوثر)</p>	<p>داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۵)</p>
<p>نتایج این پژوهش نشان می‌دهد منطقه ۱۱ کلان‌شهر مشهد، بهترین منطقه از نظر شاخص امنیت و پایداری می‌باشد. پس از منطقه ۱۱، مناطق ۱۰ و ۹ به لحاظ امنیت و پایداری دارای بهترین شرایط هستند. بدترین منطقه هم به لحاظ امنیت و پایداری، به ترتیب مناطق ۳، ۴ و ۶ است. حدود ۴۰ درصد مناطق شهر مشهد در سطح بحرانی امنیت و پایداری به لحاظ زیست‌پذیری شهری قرار دارند.</p>	<p>تحلیل زیست‌پذیری شهری کلان‌شهر مشهد با تأکید بر شاخص امنیت و پایداری</p>	<p>تحلیلی بر زیست‌پذیری با تأکید بر شاخص امنیت و پایداری: (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)</p>	<p>قنبری و همکاران (۱۳۹۵)</p>
<p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جایگاه شاخص‌های فوق در شهر کرمان در حد متوسط می‌باشد؛ همچنین، از میان شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری، شاخص</p>	<p>شناسایی و تعیین تأثیرگذارترین شاخص سازنده برنامه‌ریزی شهری</p>	<p>شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های سازنده برنامه‌ریزی شهری</p>	<p>عبداللهی و حسن‌زاده (۱۳۹۵)</p>

<p>کالبدی با ضریب بتا ۰/۴۸۶، سپس شاخص زیست‌محیطی و اقتصادی با ضریب بتا ۰/۳۴۱ در انتها شاخص اجتماعی با ضریب بتا ۰/۲۷۸ بیشترین سهم را در زیست‌پذیری نمودن شهر کرمان داشته‌اند.</p>	<p>به‌منظور زیست‌پذیری مناطق چهارگانه شهر کرمان</p>	<p>در زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان)</p>	
<p>میان مناطق شهر زاهدان به لحاظ شاخص‌های زیست‌پذیری و عدم تعادل، تفاوت‌های زیادی مشاهده می‌شود؛ به عبارتی مناطق شمال شهر زاهدان نسبت به مناطق جنوبی زیست‌پذیری پایین‌تری دارند.</p>	<p>بررسی و ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری مناطق پنجگانه شهر زاهدان از دیدگاه شهروندان</p>	<p>ارزیابی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری از دیدگاه شهروندان (مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان)</p>	<p>رخشانی نسب، نیری (۱۳۹۷)</p>
<p>نتایج پژوهش تفاوت عمیق قابلیت زیست‌پذیری میان مناطق شهر ارومیه و در نهایت عدم زیست‌پذیری شهر ارومیه را نشان می‌دهد و به این امر مهم معطوف می‌گردد که در صورت عدم دستیابی به زیست‌پذیری در کوتاه‌مدت دستیابی به پایداری شهر ارومیه در بلندمدت با چالش مواجه خواهد شد.</p>	<p>بررسی قابلیت زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه</p>	<p>قابلیت زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل RALSPI</p>	<p>ساسان‌پور و همکاران (۱۳۹۷)</p>
<p>نتایج بیانگر این است که وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در محلات نامناسب می‌باشد. نتایج تکنیک‌های آنتروپی و کوپراس نشان می‌دهد که محله کیانپارس بهترین وضعیت و بعد از آن محلات زیتون کارمندی، گلستان جنوبی، خروسی، پردیس ۱، آخر آسفالت، شلنگ‌آباد و در بدترین وضعیت زیست‌پذیری محله منبع آب قرار گرفته است.</p>	<p>ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در شهر اهواز از دیدگاه ساکنان</p>	<p>ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری بر اساس ادراک ساکنان (نمونه موردی: شهر اهواز)</p>	<p>آروین و همکاران (۱۳۹۷)</p>

(منبع: گردآوری نویسندگان)



جدول ۲- خلاصه پژوهش‌های خارجی انجام شده در زمینه زیست‌پذیری

محقق	عنوان	هدف	نتیجه
اریک آلیسون <sup>۱</sup> و الرن پیترز <sup>۲</sup> (۲۰۱۲)	حفاظت مراکز تاریخی و شهرهای زیست‌پذیر	تحلیل شاخص‌های شهر زیست‌پذیر را بر مبنای واحدهای همسایگی، ساخت مسکن و توریسم	در این تحقیق ذکر شده است برنامه‌ها بایستی تلاش کنند مکان‌های تاریخی و قدیمی شهر را جذاب‌تر و قابل دسترس‌تر برای همه اقشار شهروندی برنامه‌ریزی کنند و در این زمینه تورهای مشخص پیاپی در این مراکز بهبود پیدا کنند، همچنین تخصیص اعتبارات به منظور حفاظت و زیست‌پذیری مراکز تاریخی و قدیمی شهر نقش حیاتی دارد.
جاسک کاتیوس <sup>۳</sup> و میچال رزوسکی <sup>۴</sup> (۲۰۱۳)	مقایسه زیست‌پذیری و غیر زیست‌پذیری (نمونه موردی: یکی از خیابان‌های شهر پست سوسیالیستی)	شناسایی مکانیسمی که مسئولیت پیدایش مکان زیست‌پذیر یا غیر زیست‌پذیر در شرایط شهری لهستان را بر عهده دارد.	پس از پایان تجزیه و تحلیل، نویسندگان، سه روش ممکن که مکان‌های قابل زندگی می‌توانند در یک شهر ایجاد شوند، تشخیص می‌دهند: از طریق حفظ و نگهداری تعادل و توازن، با ساختن موانع و دیوارها و ایجاد ناسازگاری‌ها به‌عنوان محصولی از فرایندهای کنترل نشده در یک شهر است.
بنجامین آل سایتلوانگا <sup>۵</sup> (۲۰۱۴)	الگوی فضایی زیست‌پذیری شهری در منطقه همالیا	بررسی سطوح مختلف ابعاد عینی و ذهنی زیست‌پذیری در سطح محله‌ها	نتایج نشان می‌دهد که محله‌های مرکزی در مقایسه با محله‌های حاشیه‌ای و پیرامونی آن زیست‌پذیرتر هستند. همچنین نشان می‌دهد که بین ابعاد عینی و ذهنی زیست‌پذیری رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

1. Eric Allison
2. Lauren Peters
3. Jacek Kotus
4. Michal Rzeszewski
5. Benjamin L Saitluanga

<p>هر شهر یک سیستم شهری است یا به بیان دقیق‌تر یک ساختار پیچیده انسان‌ساخت. ما نسلی هستیم که در سده اول شهرها زندگی می‌کنیم و می‌دانیم که شهرها باید برای حصول زیست‌پذیری و تاب‌آوری تغییر یابند اما بیش از همه زیست‌پذیری را. امروزه شهروندان کسانی هستند که شهر را تعریف می‌کنند. اما حرکت به سمت شهرهای زیست‌پذیر در آینده باید شامل راه‌حل‌های شهری هوشمند باشد.</p>	<p>هدف این پژوهش توسعه پایدار زیست‌پذیر شهر اسکپیه به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر جمهوری مقدونیه می‌باشد.</p>	<p>درک زیست‌پذیری شهر از طریق راه‌حل‌های هوشمند و برنامه‌ریزی شهری برای آینده زیست‌پذیر پایدار برای شهر</p>	<p>امیلیا سوفسکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)</p>
<p>نتایج تحقیق بیانگر این است که هر ۶ بُعد زیست‌پذیری شهری تأثیر معنادار و مثبتی بر رضایت از زیست‌پذیری دارند. شامل محیط طبیعی، حمل‌ونقل راحت و سلامت محیطی شاخص‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را دارند. همچنین ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی فردی نظیر موقعیت جغرافیایی، نوع مسکن، آموزش، بُعد خانوار و سن نیز تأثیر معناداری بر رضایت از زیست‌پذیری دارند. اما تأثیر آنها کمتر از ابعاد ذکر شده برای زیست‌پذیری است.</p>	<p>هدف این پژوهش ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی از زیست‌پذیری شهری می‌باشد.</p>	<p>ارزیابی و تعیین عوامل مؤثر بر رضایت از زیست‌پذیری شهری در چین</p>	<p>دونگ شنگ ژان و همکاران (۲۰۱۸)</p>
<p>رویکرد خلاقانه‌ای برای پیاده‌سازی پیاده‌مداری در راستای دستیابی به اهداف زیر معرفی می‌کند: ۱- ابزارهایی برای شکستن موانع مختلف که ممکن است پیاده‌سازی این دیدگاه با</p>	<p>این مقاله ادبیات یکپارچه‌ای بین پیاده‌مداری و زیست‌پذیری ارائه می‌دهد و سپس</p>	<p>شهر زیست‌پذیر: رویکردی برای پیاده‌مداری از طریق شهرنشینی تاکتیکی</p>	<p>هند یاسین<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)</p>

1. Emilija Sofeska  
2. Hend H. Yassin

## تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست پذیری شهری ... ۱۲۳

<p>آن مواجهه شود. تاکتیکی برای جذب پیاده‌مداری در جهان را مرور می‌کند. و در نهایت بازیابی زیست‌پذیری شهر و بدین ترتیب توسعه شهری پایدار. همچنین مقاله شامل تحلیل نمونه‌های بین‌المللی بر پایه معیارهای عملی شهرنشینی تاکتیکی است. بر این اساس، این مقاله شهرسازی تاکتیکی را به‌عنوان ابزار سودمند برای پیاده‌روی، نشان می‌دهد که می‌تواند در شرایط مختلفی مورد استفاده قرار گیرد. و همیشه به نتایج مطلوب و نتایج مجاز منجر می‌شود.</p>	<p>رویکرد سابق به پیاده‌مداری در جهان را مرور می‌کند.</p>		
--	---	--	--

(منبع: گردآوری نویسنده‌گان)

### مبانی نظری

زیست‌پذیری ترجمه فارسی انتخاب‌شده برای عبارت انگلیسی (livability) است و در نتیجه شهر زیست‌پذیر معادل عبارت (livable city) آورده شده است (Abdulaziz, 2007). فرهنگ لغت وبستر، مکان زیست‌پذیر را فضای مناسب برای زیست انسان تعریف می‌کند. زیست‌پذیری همچنین به معنای کیفیت زندگی، استانداردهای زندگی یا خوشبختی عمومی جمعیتی که در یک مکان مثل شهر زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود (شماعی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۸۸). در واقع زیست‌پذیری به یک سیستم شهری که در آن به سلامت اجتماعی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه شده اطلاق می‌شود و اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می‌بخشد شامل: برابری، شأن، دسترسی‌پذیری، تفریح، مشارکت و قدرت بخشیدن می‌باشد (بندر آباد، ۱۳۹۰: ۵۱). زو داجیاین و پتر روگرس (۲۰۰۹) عنوان می‌دارند زیست‌پذیری مفهومی چندبعدی است که گاه با مفاهیم کیفیت

زندگی، رفاه و رضایتمندی از شرایط زندگی دارای همپوشانی‌های بسیاری است و جنبه‌های مختلف نظیر مسائل مادی و غیرمادی را در بر می‌گیرد. از این رو، برنامه‌ریزان در همه سطوح به‌طور فزاینده‌ای به زیست‌پذیری به‌عنوان استراتژی تجدید حیات محله، توسعه مجدد، تأمین مسکن قابل قبول، حفاظت از محیط‌زیست، بهبود امنیت و کاهش نرخ جرم و جنایت علاقه‌مندند (Larice, 2005: 91). به‌عبارت دیگر ایده زیست‌پذیری پلی میان بسیاری از مفاهیم بوده و اشاره به مکان‌های ویژه‌ای دارد که با هم کنش و واکنش داشته و رضایتمندی شهروندان را با رسیدن به نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنها، تقویت خوشبختی و سلامتی آنها و حفاظت از منابع طبیعی و عملکرد اکوسیستم از سطوح محلی تا سطوح جهانی تضمین می‌کند (Stein, 2002: 25).

جدول ۳- تفاوت‌ها و شباهت‌های رویکردهای شهری مشابه با زیست‌پذیری

زیست‌پذیری	رویکردهای شهری مشابه	
زیست‌پذیری جامعیت تمام این موارد را مدنظر دارد و هیچ‌کدام از موارد ذکرشده را به‌تنهایی کافی نمی‌داند.	منعطف بودن در برابر تغییرات ناگهانی	شهر توانا
	قابلیت تطبیق در برابر تنش‌های شهری	شهر تاب‌آور
	ایمنی در برابر خطرات	شهر امن
	قابلیت جامه عمل پوشاندن به همه پتانسیل‌های خلاق خود	شهر خلاق
	(۱) گسترش سلامت همگانی (۲) بالا بودن امید به زندگی	شهر سالم
کیفیت زندگی که به‌وسیله شهروندان یک شهر تجربه می‌شود.	کیفیت محیط شهری	

## اصول و معیارهای زیست‌پذیری

در حال حاضر، دو سازمان مهم در سطح بین‌المللی وجود دارند که هر ساله گزارش جهانی شهرهای زیست‌پذیر را منتشر می‌کنند: واحد هوش اکونومیست<sup>۱</sup> و موسسه مرسر<sup>۲</sup>، شاخص‌های واحد هوش اکونومیست شامل ثبات، مراقبت‌های بهداشتی، فرهنگ و محیط‌زیست، آموزش و زیرساخت هستند. در نهایت پس از ارزیابی وضعیت شهرها آنها در پنج طبقه قابل قبول، متوسط، نامناسب، کاملاً نامناسب و غیرقابل قبول، رده‌بندی می‌شوند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳). چارلز لاندری مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده است. او سرزندگی و زیست‌پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. وی ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی شهر سرزنده و زیست‌پذیر برمی‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک‌مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت (Landry, 2000: 4).

انجمن معماران ایالات متحده ده معیار را برای زیست‌پذیری مکان‌ها مشخص نموده است:

۱) طراحی در مقیاس انسانی، اجتماعات سازگار با پیاده‌روی که به ساکنان اجازه پیاده رفت به سمت فروشگاه‌ها، خدمات، منابع فرهنگی و کار را می‌دهند و موجب کاهش ترافیک و سود بردن سلامتی مردم می‌شوند؛ ۲) ایجاد قدرت انتخاب: مردم خواهان تنوع در مسکن، فروشگاه‌ها، تفریح، حمل‌ونقل و مشاغل هستند. تنوع موجب ایجاد محلات سرزنده و پویا و اقامت شهروندان در مراحل مختلف زندگی‌شان در این محلات می‌گردد؛ ۳) تشویق توسعه کاربری‌های مختلط: انجام و تلفیق کاربری‌های متفاوت موجب تنوع و سازگاری اجتماعات با مسیرهای پیاده می‌شود؛ ۴) حفاظت از مراکز شهری: احیای مراکز شهری موجب حفظ خیابان‌ها، خدمات و ساختمان‌های

---

1. Economist Intelligence Unit  
2. Mercer

موجود و پیشگیری از خزش شهری و نیز منجر به توسعه بیشتر خدمات می‌گردد؛ (۵) تنوع در گزینه‌های جابه‌جایی: ارائه گزینه‌های پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی موجب کاهش ترافیک، حفاظت از محیط‌زیست و افزایش فعالیت بدنی می‌گردد؛ (۶) ایجاد فضاهای عمومی شاد و سرزنده: شهروندان نیازمند فضاهای عمومی مناسب برای ایجاد تعاملات رودررو هستند که این امر موجب افزایش مشارکت مدنی، گرد هم آمدن مردم برای مراسم‌های عمومی می‌گردد؛ (۷) ایجاد هویت محله‌ای: ایجاد حس مکان موجب می‌شود تا محلات، شخصیت منحصر به فردی بیابند و فضای پیاده‌روی موجب ایجاد غرور محله‌ای در اجتماع می‌گردد؛ (۸) حفاظت از منابع محیطی: توازن مناسب بین طبیعت و توسعه موجب حفاظت از سیستم‌های طبیعی، پیشگیری از آلودگی راه‌های آبی و کاهش آلودگی هوا می‌گردد؛ (۹) حفاظت از چشم‌اندازها: فضاهای باز، مزارع و حیات وحش به دلایل زیست‌محیطی، تفریحی و فرهنگی و (۱۰) طراحی مناسب (دارایی، ۱۳۹۶: ۲۹).

### رویکردهای زیست‌پذیری

با توجه به اینکه مفهوم زیست‌پذیری نقاط مشترکی با مفاهیم پایداری و کیفیت زندگی دارد، می‌توان با رویکردهای متفاوت و متنوعی به آن نگریست و آن را ارزیابی کرد. در این بخش، رویکردها به این مفهوم، در رشته‌های گوناگون علمی و در شرایط مختلف زمانی، با توجه به کنکاش در منابع متعدد بررسی می‌شود. در اینجا رویکردها بر مبنای دوره زمانی آمده‌اند؛ بدین معنا که از قدیم به جدید ذکر شده‌اند (خراسانی، ۱۳۹۰: ۵۳)

- رویکرد تجربی به شهر زیست‌پذیر: میل به تعریف یک مکان خوب از طریق به‌کارگیری تحقیقات تجربی، موجب شکل‌گیری اصطلاح زیست‌پذیری از اواخر دهه ۱۹۶۰ شد؛ هرچند این اصطلاح تا اواسط دهه ۱۹۷۰ رواج چندانی نداشت. بیشتر

تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۲۷

محققانی که در این حوزه طی چند دهه گذشته پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، دانشگاهیانی هستند که در دیپارتمان‌های برنامه‌ریزی فعالیت داشته‌اند. تأکید این محققان، بر بهره‌گیری از مطالعات تجربی برای شناخت زندگی روزمره افراد در جهت مفهوم‌سازی مکان زیست‌پذیر بود (تأکید بر معیارهای عینی) (خراسانی، ۱۳۹۰: ۵۴).

- رویکرد ادراک‌های فردی و مطالعات بهزیستی ذهنی: این رویکرد بر رضایت و ارجحیت افراد تأکید دارد تا تعیین کند مکان‌ها قادر به تأمین انتظارات، نیازهای فردی و رضایت نسبی افراد هستند یا خیر (تأکید بر معیارهای ذهنی).

- رویکرد کیفیت زندگی (رویکرد معیارهای اجتماعی برای کیفیت زندگی): محققانی که به بهبود زیست‌پذیری در مکان تمایل دارند، رویکردهای مکان محور را با ارزیابی کیفیت زندگی تلفیق می‌کنند. منظور از کیفیت زندگی شهری، توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، محیطی و روانی در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری است. بدین معنا که علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌ها به صورت مشخص و عینی باید به ذهنیت و نوع نگاه شهروندان به این شاخص‌ها نیز توجه شود (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸).

همان‌طور که گفته شد مدل‌های گوناگونی برای تشریح و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های زیست‌پذیری شهری ارائه شده است که هرکدام از آنها از نگاه خود به پیش‌بینی احساس رضایت‌مندی ساکنین از زیست‌پذیری سکونت‌شان پرداخته‌اند. اما در این زمینه اتفاق نظر کاملی در زمینه زیست‌پذیری و ابعاد مختلف آن میان محققان وجود ندارد؛ بنابراین با توجه به رویکردهای معرفی شده، در پژوهش حاضر رویکرد ادراک‌های فردی و مطالعات بهزیستی ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معیارها و شاخص‌ها با توجه به ادبیات جهانی که بر زیست‌پذیری حاکم است و معتقد است که زیست‌پذیری دارای سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است انتخاب شده‌اند، این ابعاد و شاخص‌ها همان معیارهایی هستند که همه ساله توسط واحد اطلاعات

اکنونمیست و مؤسسه مرسر برای زیست‌پذیری کلان‌شهرهای دنیا به کار گرفته می‌شوند. با توجه با اینکه تعدادی از این ابعاد و معیارهای به‌کار رفته در واحد اطلاعات اکنونمیست و مؤسسه مرسر با فرهنگ و آداب بخش مرکزی شهر تبریز هم‌خوانی نداشتند این معیارها و ابعاد بومی‌سازی شده و مورد تأیید اساتید و متخصصان این حوزه قرار گرفته است.

### محدوده مورد مطالعه

منطقه ۸ شهر تبریز در مرکز شهر تبریز و در مجاورت مناطق ۱، ۱۰، ۴، ۲ و ۳ قرار گرفته است و به‌نوعی توسط این مناطق احاطه شده است. مساحت این منطقه که کم وسعت‌ترین منطقه شهر و تقریباً منطبق بر هسته مرکزی و بافت تاریخی آن نیز محسوب می‌شود برابر ۳۸۶ هکتار می‌باشد و جمعیت آن نیز برابر ۳۴۲۳۱ نفر می‌باشد. به لحاظ توپوگرافی این منطقه در طیف ارتفاع ۱۳۸۰ تا ۱۴۴۰ متر قرار دارد که اختلاف ارتفاعی حدود ۴۰ متر دارد. به‌طوری‌که حداقل ارتفاع آن در نیمه غربی منطقه در تراز ارتفاعی ۱۳۸۲ متری و نیمه شرقی منطقه با حداکثر ارتفاع ۱۴۲۲ متر مشخص شده است.

عبور رودخانه مهرانرود از حاشیه این منطقه و نیز لکه‌های کوچک و پراکنده‌ای از عوارض نسبتاً کم شیب، مهم‌ترین عارضه‌های جغرافیایی هستند که بر توپوگرافی منطقه تأثیر گذاشته‌اند. با این حال نبود شیب زیاد و هموار بودن اراضی و بافت پر شهری که ویژگی‌های تاریخی خود را نیز حفظ نموده، در بعضی از نقاط باعث بروز مشکلاتی از قبیل دفع نامناسب آب‌های سطحی و ایجاد رواناب‌ها و هرز آب‌های سرگردان در سطح معابر گردیده که باعث گرفتگی و پر شدن جوی‌های منطقه می‌گردد. سرانه کل کاربری‌های این منطقه برابر ۱۱۲/۷ مترمربع می‌باشد. بررسی سطح اراضی ساخته شده و اراضی باز و سبز شهری نشان می‌دهد که مساحت ساخته شده شهر معادل ۲۶۴ هکتار و



تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست پذیری شهری ... ۱۲۹

سطح اراضی سبز و باز شهری این منطقه معادل ۱۲۲ هکتار می باشد. همچنین سرانه اراضی ساخته شده معادل ۷۷ مترمربع و اراضی سبز و باز شهری بالغ بر ۳۵/۶ مترمربع می باشد. سهم اراضی ساخته شده از کل اراضی منطقه معادل ۶۸/۴ درصد و سهم اراضی سبز و باز شهری معادل ۳۱/۶ درصد می باشد.

جدول ۴- وضعیت اراضی منطقه از نظر ساخت و ساز

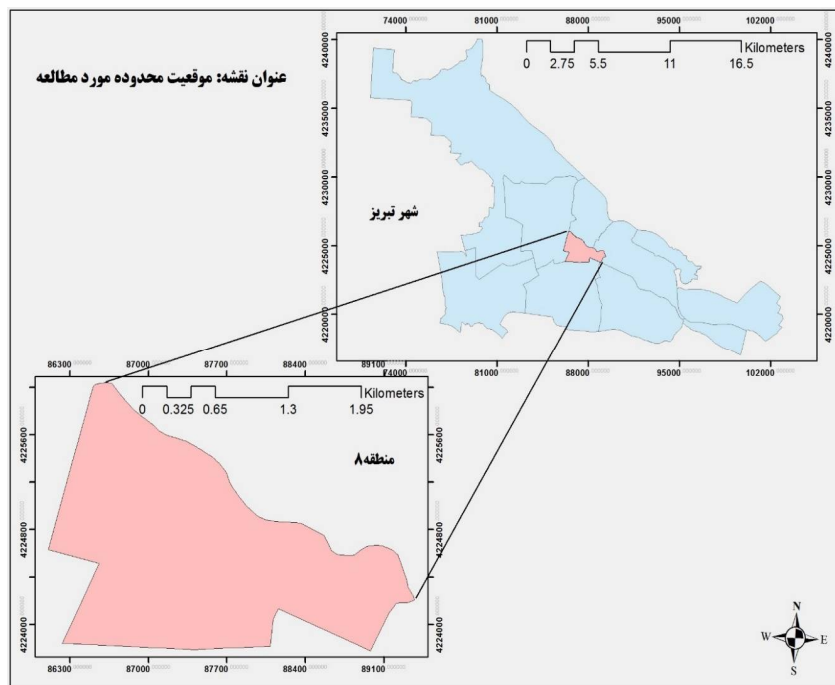
درصد	سرانه		مساحت (هکتار)	نوع اراضی	
	منطقه	میانگین شهر			
۴۰/۴	۶۸/۴	۶۴/۵	۷۷/۱	۲۶۴	اراضی ساخته شده
۵۹/۶	۳۱/۶	۹۵/۲	۳۵/۶	۱۲۲	اراضی سبز و باز شهری
۱۰۰	۱۰۰	۱۵۹/۷	۱۱۲/۷	۳۸۶	جمع

بررسی های به عمل آمده از سطح کاربری ها در منطقه گویای این امر است که از کل کاربری کلان منطقه حدود ۴۰ درصد با مساحتی معادل ۱۵۴ هکتار به کاربری مسکونی تعلق دارد که سرانه ای معادل ۴۵ مترمربع را شامل می شود. همین بررسی نشان می دهد که کاربری خدماتی حدود ۲۸/۲ درصد از کل اراضی منطقه را به خود اختصاص داده که مساحت و سرانه مربوط به آن به ترتیب معادل ۱۰۹ هکتار و ۳۱/۷ مترمربع می باشد. کاربری شبکه معابر نیز با مساحتی معادل ۸۶ هکتار، حدود ۲۲/۲ درصد از کاربری های کلان را شامل می شود و سرانه آن نیز برابر ۲۵ مترمربع می باشد. همچنین حدود ۱۰/۸ درصد از کل کاربری ها مربوط به سایر کاربری ها می باشد که مساحت و سرانه آن به ترتیب برابر ۳۷ هکتار و ۱۰/۸ مترمربع می باشد (مهندسی مشاور نقش محیط، ۱۳۹۱: ۷۴۶).

۱۳۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۷

جدول ۵- کاربری اراضی منطقه

درصد		سرانه (مترمربع)		مساحت (هکتار)	کاربری
میانگین شهر	منطقه	میانگین شهر	منطقه		
۱۸	۴۰	۲۸/۷	۴۵	۱۵۴	مسکونی
۱۶/۲	۲۸/۲	۲۵/۹	۳۱/۷	۱۰۹	خدمات
۱۴/۹	۲۲/۲	۲۳/۸	۲۵/۲	۸۶	معاپر
۵۰/۹	۹/۶	۸۱/۳	۱۰/۸	۳۷	سایر
۱۰۰	۱۰۰	۱۵۹/۷	۱۱۲/۷	۳۸۶	جمع



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه

تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۳۱

### یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین سنی پاسخگویان، ۳۳/۸ می‌باشد، که بیشترین سن پاسخگویان ۵۸ و کمترین آن‌ها ۱۵ سال می‌باشد. در مورد مدت زمان سکونت نیز، میانگین مدت سکونت پاسخگویان در منطقه ۱۳/۷ سال می‌باشد، که بیشترین مدت سکونت برابر با ۵۵ سال و کمترین آن ۱ سال می‌باشد.

جدول ۶- یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
وضعیت مالکیت مسکن	مالک	۶۸/۴
	اجاره‌ای	۲۹/۷
	سازمانی	۱/۶
تحصیلات	زیر دیپلم	۲۸/۲
	دیپلم	۴۹/۲
	لیسانس	۲۰/۵
	فوق‌لیسانس و بالاتر	۲/۱
شغل	آزاد	۵۳/۹
	بازاری	۱/۸
	بیکار	۵/۳
	دانشجو	۲۱/۳
	کارمند	۹/۷
	خانه‌دار	۷/۹

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در ادامه برای آزمون مدل زیست‌پذیری، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم اجرا شده است. البته قبل از اعتبارسنجی مدل، وضعیت هر یک از متغیرهای مکنون<sup>۱</sup> به همراه

<sup>۱</sup>. Latent variable

متغیرهای مشاهده‌پذیر متناظر با آن به‌طور مجزا بررسی شد. از ۱۰ بُعد در نظر گرفته شده در مدل، ۲ بُعد شامل؛ حمل‌ونقل و فضاهای باز و عمومی به علت بار عاملی کمتر حذف شدند. سپس ۴۱ متغیر مشاهده‌پذیر باقی‌مانده در قالب ۸ متغیر مکنون مرتبه اول و یک متغیر مکنون مرتبه دوم، وارد مدل تحلیل عاملی گردید.

برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تائیدی چندین شاخص برازندگی وجود دارد. محققان مقادیر بین ۱ تا ۵ را برای نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی قبول می‌دانند، که این شاخص در این پژوهش ۴/۲۶۹ به‌دست‌آمده است. برای شاخص‌های CFI, NFI, AGFI, GFI و TLI نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹ مناسب توصیف‌شده است. البته در برخی منابع مقادیر ۰/۷ تا ۰/۹ را نیز قابل قبول بیان کرده‌اند که با توجه به جدول شماره ۶، همه شاخص‌های یادشده در این پژوهش قابل قبول می‌باشند. شاخص RMSEA نیز که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد را نشان می‌دهد، باید کمتر از ۰/۰۵ باشد که البته مقدار کمتر از ۰/۰۸ نیز مناسب دانسته شده است. این شاخص نیز با توجه به جدول شماره ۷ قابل قبول برآورد شده است.

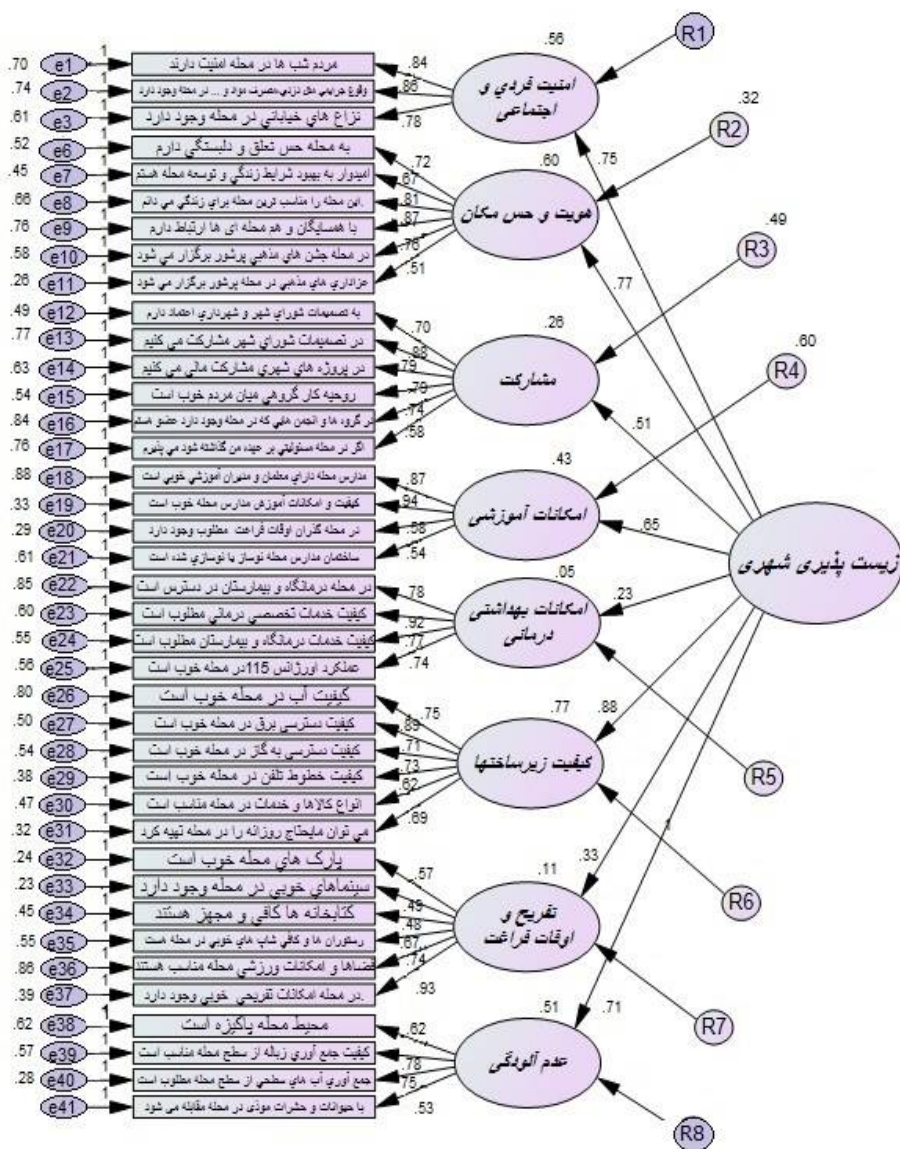
جدول ۷- شاخص‌های برازش مدل (منبع: یافته‌های پژوهش)

شاخص	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار قابل قبول	نتیجه
Chisq	۲۸۷۳/۳۴۷	-	قابل قبول
Df	۶۷۳	-	قابل قبول
(Chisq/df)	۴/۲۶۹	۱-۵	قابل قبول
P	۰/۰۰	<۰/۰۵	قابل قبول
GFI	۰/۹۲۱	>۰/۹	قابل قبول
AGFI	۰/۹۱۱	>۰/۹	قابل قبول
NFI	۰/۹۲	>۰/۹	قابل قبول
CFI	۰/۹۴	>۰/۹	قابل قبول
TLI	۰/۹۰	>۰/۹	قابل قبول
RMSEA	۰/۰۵	<۰/۰۸	قابل قبول

(منبع: یافته‌های پژوهش)

### تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۳۳

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده و وضعیت مناسب شاخص‌های برآزش، مدل تبیین زیست‌پذیری با متغیرهای مشاهده‌پذیر، سازه مرتبه اول و سازه نهایی به همراه بارهای عاملی مرتبه‌های اول و دوم و خطاها در شکل شماره ۲ به نمایش درآمده است. بر اساس شکل شماره ۲، مدل زیست‌پذیری از ۸ مؤلفه اصلی تشکیل شده است که کیفیت زیرساخت‌ها با بار عاملی ۰/۸۸ مهم‌ترین بُعد و امکانات بهداشتی درمانی با بار ۰/۲۳، کم‌اهمیت‌ترین بُعد در برقراری زیست‌پذیری باشند. همچنین در سازه‌های مرتبه اول، در بُعد امنیت فردی و اجتماعی، وقوع جرایمی مثل دزدی، مصرف مواد و ... در محله با بار عاملی ۰/۸۶، در بُعد هویت و حس مکان، ارتباط با همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها با بار ۰/۸۷، در بُعد مشارکت، مشارکت در تصمیمات شورای شهر با بار ۰/۸۸، در بُعد امکانات آموزشی، کیفیت و امکانات آموزش مدارس محله با بار ۰/۹۴، در بُعد امکانات بهداشتی-درمانی، کیفیت خدمات تخصصی درمانی با بار ۰/۹۲، در بُعد کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت دسترسی به برق با بار ۰/۸۹، در بُعد تفریح و اوقات فراغت، امکانات تفریحی با بار ۰/۹۳ و در بُعد آلودگی، کیفیت جمع‌آوری زباله با بار ۰/۷۸، مهم‌ترین متغیرها هستند.



منبع: یافته‌های پژوهش

شکل ۲- تحلیل عاملی تائیدی مرتبه دوم

نتایج تحلیل عاملی تائیدی در درجه اول مبین این نکته است که از میان ۱۰ بُعد (مؤلفه) در نظر گرفته شده در قالب مدل تحقیق، ابعاد هشت‌گانه آن می‌تواند وضعیت زیست‌پذیری را در محدوده مورد مطالعه تبیین نماید دو بُعد دیگر به دلیل بار عاملی کمتر حذف گردید و به عبارتی سازه حاصل شده دارای روایی می‌باشد. مؤلفه کیفیت زیرساخت‌ها بیشترین بار عاملی را کسب کرده است که این امر بیانگر اهمیت دسترسی به زیرساخت‌ها از سوی ساکنین است. پس مدیریت شهری با تأمین زیرساخت‌های مناسب می‌تواند بر زیست‌پذیری محلات بیفزاید. در رتبه‌های بعدی به ترتیب مؤلفه‌های هویت و حس مکان، امنیت فردی و اجتماعی، آلودگی، امکانات آموزشی، مشارکت، تفریح و اوقات فراغت و در نهایت مؤلفه امکانات بهداشتی - درمانی قرار دارند.

در حالت کلی می‌توان گفت؛ مؤلفه‌هایی که محلی‌تر می‌باشند از نظر ساکنین اهمیت بیشتری داشته‌اند. این نکته از نظر قابلیت دسترسی قابل تعریف است. برای مثال هویت و حس مکان مؤلفه‌ای است که در سطح محله معنا می‌یابد و بر زیست‌پذیری محله تأثیرگذار است. حال آنکه مؤلفه امکانات بهداشتی و درمانی در مقیاسی فراتر از محله نیز قابل دستیابی است و از این نظر اهمیت کمتری را از نظر ساکنین دارا می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که طرح گردید، زیست‌پذیری مفهومی است برای به تصویر کشیدن شرایط مناسب زندگی در شهرها و محیط‌های سکونت انسان که در ابعاد و مقیاس‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. رویکردهای ذهنی، عینی و کیفیت زندگی را می‌توان از عمده رویکردها به زیست‌پذیری دانست. این پژوهش با تکیه بر رویکرد ذهنی سعی در ارائه مدل تبیین‌کننده زیست‌پذیری بر اساس نظرات ساکنان منطقه ۸ تبریز را داشته

است. به صورتی که نظرات ساکنان در مود ابعاد و مؤلفه‌های مختلف، معیار تحلیل قرار گرفته است.

شاید بتوان گفت، از منظر رویکرد ذهنی به زیست‌پذیری، عواملی که زیست‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در همه مکان‌ها و جوامع یکسان نیستند، چرا که تلقی و برداشت هر جامعه از شرایط زیست‌خوب، با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی آن جامعه، متفاوت می‌باشد. به عبارتی دیگر، بستگی به این دارد که جوامع چه درجه‌ای از توسعه را دارا باشند که بر اساس آن بتوانند مطلوب خود را تعریف کنند. هرچند که چارچوب کلی آن یکسان باشد. از طرف دیگر ممکن است، جامعه مورد مطالعه در یک یا چندین بُعد از ابعاد زیست‌پذیری وضعیت خوبی را دارا باشد و در مقابل در ابعاد دیگر وضعیت مطلوبی را نداشته باشد. از این رو باید عوامل تبیین‌گر زیست‌پذیری در سطح برنامه‌ریزی به صورت مجزا تعیین و تبیین گردد و داشتن نسخه‌ای واحد برای همه محلات و شهرها راهگشا نخواهد بود.

در این زمینه، روت وینهوون زیست‌پذیری را «درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه» می‌داند (Veenhoven & Ouwenel, 1995). کیفیت زیرساخت‌ها که خود شامل دسترسی به آب سالم، برق، گاز و انواع کالا و خدمات و سهولت تهیه مایحتاج روزانه است، مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در ارتقای زیست‌پذیری در محدوده مورد مطالعه می‌باشد. اهمیت زیرساخت‌ها از آنجایی ناشی می‌شود که، زیربنا و نیازهای اساسی شهروندان را در برمی‌گیرد. به طوری که فقدان آن‌ها، حداقل شرایط زیست را نیز از شهروندان سلب خواهد کرد. پس بین کیفیت زیرساخت‌ها و زیست‌پذیری شهری رابطه‌ای معنادار وجود دارد و برای ارتقای زیست‌پذیری در درجه اول باید زیرساخت‌های مناسبی را فراهم ساخت.

هویت و حس مکان دیگر مؤلفه تأثیرگذار می‌باشد که خود از شش متغیر تشکیل شده است. سوزان و هنری لنارد (۱۹۸۷)، تقویت حس تعلق به یک اجتماع با هویت را از اصول اجتماعی زیست‌پذیری می‌دانند (Lennard & Lennard, 1987: 9). همچنین



تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۳۷

احمدی و مهدوی (۱۳۹۳)، رابطه‌ای قوی بین کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی را در پژوهش خود نشان داده‌اند (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳). از این رو می‌توان گفت، که بهبود متغیرهای حس تعلق مکانی به تأثیرگذاری بر کیفیت زندگی ساکنان، زیست‌پذیری شهری را بهبود خواهد بخشید.

مؤلفه تأثیرگذار بعدی، امنیت فردی و اجتماعی نام‌گذاری شده است که از سه متغیر تشکیل شده است. امنیت همواره به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها و ابعاد تأثیرگذار بر زیست‌پذیری شهری مورد توجه بوده است. قنبری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی، امنیت را به‌عنوان شاخص تبیین‌گر مفهوم زیست‌پذیری طرح کرده و مناطق با امنیت بالاتر را به‌عنوان مناطق زیست‌پذیرتر معرفی می‌کنند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). از این رو می‌توان ادعا داشت که با بهبود وضعیت امنیت فردی و اجتماعی می‌توان، زیست‌پذیری را در مناطق و محلات شهری بهبود بخشید.

مؤلفه بعدی تبیین‌گر در مدل حاصل از پژوهش حاضر، وضعیت آلودگی می‌باشد. در منابع موجود، شرایط زیست‌محیطی به‌طور عام به‌عنوان یکی از ابعاد زیست‌پذیری طرح شده است. محققین دانشگاه ملبورن استرالیا ۱۱ معیار اصلی را برای زیست‌پذیری در نظر گرفته‌اند که شامل زیرمعیارهای ذهنی و عینی زیادی می‌باشد که این معیارها شامل؛ جرم و امنیت، مسکن، آموزش، اشتغال و درآمد، خدمات اجتماعی و سلامت، حمل‌ونقل، فضای باز عمومی، دموکراسی محلی و پایداری اجتماعی، اوقات فراغت و فرهنگ، غذا و کالاهای محلی و محیط‌زیست می‌باشد (Lowe et al, 2013: 20). مؤلفه‌های بعدی تأثیرگذار و تبیین‌گر شناسایی شده در پژوهش حاضر به ترتیب اهمیت، شامل امکانات آموزشی، مشارکت، تفریح و اوقات فراغت و در نهایت امکانات بهداشتی - درمانی می‌باشند.

نتایج برنامه‌ریزی منطقه کلان‌شهری ونکوور<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، که به‌عنوان پیشرو در بررسی و ارزیابی زیست‌پذیری در سطح جهان شناخته می‌شود، اصول زیست‌پذیری در سکونتگاه‌ها را توزیع عادلانه امکانات و خدمات، امکان دسترسی به زیرساخت‌ها، برابری و مشارکت مردم می‌داند که با مؤلفه‌های تأثیرگذار پژوهش حاضر (شامل؛ امکانات آموزشی، مشارکت، تفریح و اوقات فراغت و امکانات بهداشتی-درمانی) همخوانی دارد. بر اساس آنچه طرح شد، مؤلفه‌های متعددی در تبیین زیست‌پذیری مشارکت دارند که هرکدام با متغیرهای خاص خود قابل تعریف‌اند. به‌طور خاص، در محدوده مورد مطالعه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر زیست‌پذیری و اهمیت هر یک مشخص گردید. بر اساس مدل حاصل شده، برای رسیدن به سطح مطلوبی از زیست‌پذیری باید، عواملی را که موجب تضعیف زیست‌پذیری می‌گردند، بهبود بخشیده و با ایجاد مجموعه‌ای از عوامل به‌هم‌پیوسته مطلوب، بتوان به سطح پایداری از زیست‌پذیری شهری دست یافت.

بخش مهمی از عوامل تأثیرگذار، مرتبط با سیاست‌های مدیریت شهری است که در سطح محلی بر کیفیت زیست‌پذیری تأثیرگذار است. در این زمینه اقداماتی چون توزیع عادلانه امکانات زیرساختی متناسب با نیازهای روز ساکنان، حمایت از محلات موجود جهت حفظ هویت محله‌ای و تقویت حس مکان و حفظ امنیت محلات با استفاده از ابزارهایی چون مشارکت‌جویی، برقراری ضوابط فعالیتی (فعالیت‌های مجاز) در محلات قدیمی (همچون منطقه ۸ شهر تبریز) در راستای جلوگیری از بروز انواع آلودگی و در نتیجه مهاجرفرستی محله، از سوی مدیریت شهری قابل پیگیری و تحقق است. در کنار این اقدامات سیاست‌های کلان مدیریتی و اقتصادی مبنی بر نحوه برخورد با محلات قدیمی بر کیفیت عملکرد مدیریت شهری و نهایتاً زیست‌پذیری این محلات تأثیر غیرقابل‌انکاری خواهد داشت.

## منابع

- احمدی، علی و مهدوی، مسعود. (۱۳۹۳)، «رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای درحال توسعه، مطالعه موردی: شهرستان زرنديه»، *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۵، شماره ۴: ۸۴۸-۸۲۷
- آروین، محمود؛ فرهادی‌خواه، حسین؛ پوراحمد، احمد و منیری، الیاس. (۱۳۹۷)، «ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری شهری بر اساس ادراک ساکنان (نمونه موردی: شهر اهواز)»، *مجله دانش شهرسازی*، دوره ۲، شماره ۲: ۱-۱۷.
- بندر آباد، علیرضا. (۱۳۹۰)، *شهر زیست‌پذیر؛ از مبانی تا معانی*، تهران، انتشارات آذرخش، چاپ اول.
- بندر آباد، علیرضا و احمدی‌نژاد، فرشته. (۱۳۹۳)، «ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست‌پذیر در منطقه ۲۲ تهران»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۶: ۷۵-۵۵.
- جعفری اسدآبادی، حمزه. (۱۳۹۲)، بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه خوارزمی.
- حبیبی، داوود. (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده (مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۴: ۷۵-۸۰.
- حیدری، تقی. (۱۳۹۵)، تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مورد پژوهشی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)، *رساله دوره دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه خوارزمی.
- خراسانی، محمدامین. (۱۳۹۰)، تبیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهرستان ورامین، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه تهران.
- داداش‌پور، هاشم؛ عزیزی، داوود و اصغر زاده، پیمان. (۱۳۹۵)، «سنجش ظرفیت زیست‌پذیری محله‌های شهری در کلان‌شهر تهران (موارد مطالعاتی: محله‌های هرندی، تختی و کوثر)»، *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، سال سوم، شماره ۵: ۶۸-۵۳.

۱۴۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۷

- دارایی، نصیبه. (۱۳۹۶)، تحلیل و بررسی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر کرمانشاه از منظر زیست‌پذیری، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه خوارزمی.
- رخشانی‌نسب، حمیدرضا و نیری، ناصر. (۱۳۹۷)، «ارزیابی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری از دیدگاه شهروندان (مورد شناسی: مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان)»، *نشریه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، شماره ۲۷: ۵۵-۷۵.
- ساسان‌پور، فرزانه؛ تولایی، سیمین و جعفری اسدآبادی، حمزه. (۱۳۹۴)، «سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست‌ودو گانه کلان‌شهر تهران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره ۱۸: ۲۷-۴۲.
- ساسان‌پور، فرزانه؛ علیزاده، سارا و اعرابی مقدم، حوریه. (۱۳۹۷)، «قابلیت‌سنجی زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل RALSPI»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال هجدهم، شماره ۴۸: ۲۴۱-۲۵۸.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ تولایی، سیمین؛ رفیعیان، مجتبی؛ زنگانه، احمد و خزاعی نژاد، فروغ. (۱۳۹۵)، «زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها». *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۴، شماره ۱: ۲۷-۵۰.
- شماعتی، علی؛ ساسان‌پور، فرزانه؛ سلیمانی، محمد؛ احدنژاد روشتی، محسن و حیدری، تقی. (۱۳۹۵)، «تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان)»، *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۸، شماره ۴: ۷۸۳-۷۹۹.
- عبدالهی، علی‌اصغر و حسن‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۵)، «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های سازنده برنامه‌ریزی شهری در زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان)»، *نشریه مطالعات نواحی شهری*، سال سوم، شماره ۴: ۱۲۳-۱۰۳.
- علیزاده، سجاد. (۱۳۹۳)، «سنجش عوامل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد مشارکت، مطالعه موردی: محله بریانک منطقه ۱۰ شهرداری تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی*، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- عیسی‌لو، اصغر. (۱۳۹۳)، «انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی، مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۶: ۱۲۰-۱۰۷.

## تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در زیست‌پذیری شهری ... ۱۴۱

- فلاح منشادی، افروز. (۱۳۹۲)، بازآفرینی فضاهای شهری با رویکرد رویدادمنداری و حیات واقعه‌ای به‌منظور تقویت سرزندگی و ارتقای کیفیت زیست‌پذیری، مطالعه موردی محور شمالی- جنوبی شیراز (دروازه قرآن تا شاهچراغ)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی*، دانشگاه شیراز.

- قنبری، محمد؛ اجزاء شکوهی، محمد؛ رهنما، محمدرحیم و خوارزمی، امید علی. (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر زیست‌پذیری شهری با تأکید بر شاخص امنیت و پایداری (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)»، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، سال اول، شماره ۳: ۱۲۹-۱۵۴.

- کشاورز، یوسف. (۱۳۹۳)، *مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از آموس*، تهران: انتشارات کتاب مهربان، چاپ اول.

- کوکبی، افشین؛ پور جعفر، محمدرضا و تقوایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴)، «برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهر، تعاریف و شاخص‌ها»، *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، شماره ۱۲: ۱۶-۱۳.

- لطفی مهری، حبیب. (۱۳۹۳)، نقش مقاوم‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستاها، مطالعه موری: دهستان مهری، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی*، دانشگاه تربیت مدرس.

- مهندسین مشاور نقش محیط. (۱۳۹۱)، *مطالعات طرح جامع تبریز*.

-Noraziah Abdul Aziz, and Abdul Samad Hadi. (2007). "Linking urban form to a livable city", *Malaysian Journal of Environmental Management*, (8), 101-117.

-Eric W. Allison and Lauren Peters (2012). *Historic Preservation and the Livable City*. USA: John Wiley & Sons Publisher.

-Aarp Livable Communities. (2005). *Beyond 50.05: A Report to the Nation on Livable Communities: Creating Environments for Successful Aging Washington DC*: American Association of Retired Persons.

-Dong, Hongwei & Qin, Bo. (2017). "Exploring the link between neighborhood environment and mental wellbeing: A case study in Beijing, China". *Landscape and Urban Planning*, (164), 71-80.

-Dongsheng- Mei-Po- Zhang- Fan- Yu, Dang. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China, *Cities*, (72), 92-101.

- Hend H. Yassin. (2019). Livable city: An approach to pedestrianization through tactical urbanism. *Alexandria Engineering Journal*, (58), 251-259.
- Kotus, Jacek, & Rzeszewski, Michal. (2013). "Between disorder and Livability. Case of one street in Post socialist city", *Cities*, (32), 123-134.
- Landry, C. (2000). "Urban vitality a new source of urban competitiveness", *Urban Vitality Urban Heroes*, (34), 52-65.
- Landry, Charles. (2000). Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness, prince claus fund journal, ARCHIS issue, *Urban Vitality Urban Heroes*, (38), 56-82.
- Michael Angelo Larice. (2005). *Great neighborhood: the livability and morphology of high density neighborhoods in urban North America, A thesis for the degree of Doctor of Philosophy*, University of California, Berkeley.
- Henry L. Lennard, Paul Bert, and Suzanne H. Crowhurst Lennard. (1987). *Livable Cities: People and Places: Social and Design Principles for the future of the city*. California, USA. Gondolier Press.
- Lowe, M. Whitzman, C. Badland, H.M. Davern, M. Hes, D. Aye, L. Butterworth, I & Giles-Corti, B. (2013). *Livable, Healthy, Sustainable: What are the Key Indicators for Melbourne Neighborhoods?* McCaughey VicHealth Centre for Community Wellbeing, Melbourne University.
- Mahmudi, Mohadeseh. (2015). "Livable streets: The effects of physical problems on the quality and livability of Kuala Lumpur streets", *Cities*, (43), 104-114.
- Mc. Nulty. (1998). *whats livability?* Presentation a conference sponsored by the seoul (south, Korea) metro Politian.
- Wei- Boyi- Li, Xinyi. (2017). "Spatial deprivation of urban public services in migrant enclaves under the context of a rapidly urbanizing China: An evaluation based on suburban Shanghai". *Cities*, (60), 436-445.
- Benjamin L. Saitluanga. (2014). "spatial pattern of urban Livability in Himalayan Region: A case of Aizawl city, india", *Social Indicators Research*. (117), 541-559.
- Emilija, Sofeska. (2017). "Understanding the Livability in a City Through Smart Solutions and Urban Planning Toward Developing Sustainable Livable Future of the City of Skopje". *Procedia Environmental Science*. (37), 442-453.
- Stein, E. (2002). *Community and Quality of Life: Data Needs for Informed Decision Making*, Washington: National Academy Press.
- The MetLife Mature Market Institute (2013). *Livable Community Indicators for Sustainable Aging in Place*.

<http://longevity3.stanford.edu/wpcontent/uploads/2013/03/mmi-livable-communities-study.pdf>

- Timmer Vanessa and nola- Kate seymoar (2005). *The World Urban Forum 2006 Vancouver*, working group discussion paper international center for sustainable cities.
- Ruut Veenhoven & Piet Ouweneel. (1995). "Livability of the Welfare State: Appreciation of life and length of life in nations varying in state Welfare effort". *Social Indicator Research*, (36), 1-49.
- Yassin, Hend H (2019), "Livable city: An approach to pedestrianization through tactical urbanism", *Alexandria Engineering Journal*, 58(1),1-9.